تاریخ پنهان آیهٔ چهل - شمارهٔ سی‌وچهار

حزقیال شمارهٔ پانزده

Jeff Pippenger
2026-10-28

پنج ماه پنهان

پیام اسلام، آن‌گونه که در آیهٔ دهم بازنمایی شده است، در سال ۱۸۳۸ از سوی جوزایا لیچ در پیوند با زمانِ ذکرشده در آیهٔ پانزدهم ارائه شد. در آن مقطع، جنبه‌هایی از این نبوت از دید لیچ پنهان بود. تا یکم اوت ۱۸۴۰، لیچ بر اساس آنچه پس از سال ۱۸۳۸ از پیام «پنج ماه» بر او آشکار شده بود، شرحی جامع‌تر منتشر کرده بود. در سال ۱۸۳۸، بخشی از پیام «پنج ماه» در باب نهم مکاشفه از لیچ پنهان مانده بود. پیش از سال ۱۸۴۰، مُهرِ بخش پنهانِ نبوتِ پنج ماه برای لیچ گشوده شد و این گشوده‌شدنِ مُهر، تجلی قدرت خدا را از سال ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ در پی داشت.

پنج ماهِ آیهٔ پنجم تا سال ۲۰۲۶ پنهان مانده بود. هنگامی که الیصابات پس از پنج ماه پنهان‌ماندن از خفا بیرون آمد، مریم به او پیوست. مریم پنج ماه پنهان‌ماندن را با مَثَل ده باکره پیوند می‌دهد، زیرا برخلاف الیصابات، مریم باکره‌ای باردار بود و الیصابات زنی باردار بود که از سن فرزندآوری گذشته بود. هر دو تولد، هر یک به‌نوعی، معجزه‌آمیز بودند، اما مریم باکره بود. همهٔ انبیا از پایان جهان سخن می‌گویند، و باکره‌هایی که مریم در ایام آخر نماد آنان است، همان پنج باکرهٔ دانا هستند که جنبش فیلادلفیاییِ فرشتهٔ سوم را تشکیل می‌دهند و شمارشان صد و چهل‌وچهار هزار نفر است. الیصابات و مریم در ماه ششم، پس از پنج ماه پنهان‌ماندنِ الیصابات، با یکدیگر دیدار می‌کنند. پنج ماهِ آیهٔ پنجم تا سال ۲۰۲۶ پنهان مانده بود.

هنگامی که یحیی متولد شد، مریم به ناصره بازگشت و زکریا دیگر لال نبود. مریم تا زمان بسته شدنِ در در مقطع قانون یکشنبه، یعنی زمانی که نبوت سخن می‌گوید، نزد الیصابات بود. زکریا نشانهٔ راهِ آلفاست که لال می‌شود و نیز نشانهٔ راهِ اُمگاست که هنگام تولد پسرش سخن می‌گوید. زکریا در آغاز و پایان قرار دارد و نمایندهٔ هر دو فرشتهٔ اول و سوم است. الیصابات پیام فرشتهٔ دوم است و مریم پیام ندای نیمه‌شب است که در پایان پنج ماه پنهان‌ماندن به الیصابات می‌پیوندد.

خانوادهٔ هشت‌نفرهٔ نوح به مدت پنج ماه در کشتی پنهان بودند و سپس کشتی بر کوه آرارات قرار گرفت. ندای نیمه‌شب در اِکستر به فرشتهٔ دوم پیوست و تا بسته‌شدنِ در در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ ادامه یافت و بدین‌سان مَثَل ده باکره تحقق یافت. مریم در اِکستر به الیصابات پیوست و تا تولد یحیی همراه او ماند.

پیامی که در سال ۱۸۳۸ از لیچ پنهان مانده بود، پیام «پنج ماه» بود. پنهان ماندن پنج ماه با هشت نفر در کشتی بازنمایی می‌شود؛ این همان پنهان شدن الیصابات در پنج ماه نخست بارداری‌اش است. این خداوند بود که در سال ۱۸۳۸ دست خویش را بر پنج ماه نگه داشته بود، تا آنکه دست خود را از روی پنج ماه برداشت و به لیچ اجازه داد تاریخ را ده روز پیش از تحقق آن منتشر کند. هنگامی که در ایام آخر، مُهرِ پیام پنج ماه گشوده می‌شود، همان‌گونه که اکنون شرح داده می‌شود، شما در شش روزِ گردهمایی اردوگاهی اکستر، از ۱۲ تا ۱۷ اوت ۱۸۴۴، قرار می‌گیرید که پس از آن، شصت‌وشش روز تا درِ بستهٔ ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ سپری شد. این مدت هفتادودو روز بود، اما هنگامی که این روزها بر یک خط نبوی قرار داده شوند و سپس نشانه‌های راه از هم تفکیک شوند، می‌توان دید که نشانهٔ محاصره، که گردهمایی اردوگاهی اکستر نمایانگر آن بود، شش روز بود که پس از آن شصت‌وشش روز تا درِ بسته

سپری شد. از نظر نبوی، این دوره به‌صورت ۶ ۶ ۶ بازنمایی می‌شود.

دورهٔ تاریخیِ محاصره، که با دورهٔ اِکستر تا ۲۲ اکتبر بازنمایی می‌شود، در لَمَک، از نسل ششم قائن، نمود می‌یابد. درست پس از آنکه مُهرِ نبوتِ پنج ماه گشوده می‌شود، در بسته می‌شود. این بسته‌شدن به‌تدریج صورت می‌گیرد، اما روند آن برای ادونتیسم از ۱۱ سپتامبر آغاز شد و با فرارسیدن محاصره پایان می‌یابد. هنگامی که محاصره فرا رسد، شما منشِ لَمَک از تبار قائن یا لَمَک از تبار شیث را آشکار خواهید کرد. عددِ آن دورهٔ تاریخی برای لَمَک از تبار قائن، ۶ ۶ ۶ است و این عدد برای لَمَک از تبار شیث و کلیسای پیروزمند، ۷ ۷ ۷ است.

آشکار شدن دو منش که دو لَمَک و اعداد ۶۶۶ یا ۷۷۷ نماد آن‌هایند، با رویدادهایی آغاز می‌شود که با طرح این پرسش که چرا ادونتیست‌ها دربارهٔ هشدارِ گوی‌های آتشین نشویل سکوت کردند، ادونتیسم را در کانون توجه عموم قرار می‌دهند. این مناقشهٔ رو به تشدید، پیش از آنکه با قانون قریب‌الوقوع یکشنبه در بسته شود، به نمایشی عینی بدل می‌شود که بالا رفتن حیوانات از سطح شیب‌دار به درون کشتی، پیش‌نمون آن بود. تجربهٔ ایلیا بر کوه کرمل و جنبش میلری سال ۱۸۴۴ نیز پیش‌نمون‌هایی از این هشدار عینیِ رو به تشدید بودند.

ساختار نبویِ محاصره

ساختار نبویِ محاصره‌ای که با ویرانی شهر پایان می‌یابد، نمایانگر دوره‌ای از زمان است که با نشانه‌ای آغاز می‌شود و با نشانه‌ای پایان می‌یابد. این ساختار، هم نمایانگر یک دورهٔ زمانی است و هم یک مقطع زمانی. دورهٔ شکل‌گیری تمثال به شیوه‌های گوناگون بازنمایی می‌شود. هر ساختار نبوی از این نوع در شهادتِ الهام‌شده، به‌صورت نمادین دورهٔ آزمونِ تمثال وحش را نشان می‌دهد که با نشان وحش به اوج خود می‌رسد.

> «‹تمثال وحش› نمایانگر آن شکل از پروتستانتیسمِ مرتد است که هنگامی پدید خواهد آمد که کلیساهای پروتستان برای تحمیل اصول اعتقادیِ خود از قدرت مدنی یاری بجویند. ‹نشان وحش› هنوز باید تعریف شود.» نبرد عظیم، ۴۴۵.

این دورهٔ زمانی نمایانگر شکل‌گیری تمثالی برای وحش و به صورت آن است؛ نشان وحش هنگامی تحمیل می‌شود که تمثالی که در حال شکل‌گیری بوده است، به مرحله‌ای برسد که بتواند با سخن گفتن، قانون یکشنبه را پدید آورد. نبوکدنصر، هنگام ویرانی اورشلیم، نشان اقتدار روم را به‌صورت نمادین پیش‌نمایان ساخت. چه بابل باشد و چه روم، ساختار این محاصره بر پادشاه شمال در ایام آخر تأکید دارد. محاصرهٔ اورخان از سال ۱۳۳۳ تا ۱۳۳۷ و دورهٔ چهارساله از ۲۷ ژوئیهٔ ۱۴۴۹ تا محاصرهٔ قسطنطنیه در سال ۱۴۵۳، نه‌تنها پیش‌نمونِ دورهٔ زمانی از ۱۱ اوت ۱۸۴۰ تا ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ هستند، بلکه این محاصره‌ها بر نقش اسلام به‌عنوان فرزندان باد شرقی در نبوّت کتاب مقدس نیز تأکید می‌کنند. مضمون پادشاه شمال (بابل یا روم) و باد شرقی، همان «خبرهایی از مشرق و از شمال» در دانیال ۱۱:۴۵ است.

> اما خبرهایی از مشرق و از شمال او را مضطرب خواهد ساخت؛ ازاین‌رو با خشمی عظیم بیرون خواهد رفت تا بسیاری را هلاک کند و به‌کلی از میان ببرد. دانیال ۱۱:۴۴.

چهار سالِ فاصلهٔ ۲۷ ژوئیهٔ ۱۴۴۹ تا محاصرهٔ قسطنطنیه در ۱۴۵۳، نه‌تنها بیانگر دوره‌ای چهارساله است، بلکه با احتساب مرگ یوحنا پالایولوگوس در ۱۴۴۸، این دوره به‌صورت پنج سال نیز بازنمایی می‌شود.

این ساختار در هر دو واقعهٔ ویرانی اورشلیم و نیز در طوفان نوح نمایان است. این ساختار در نخستین عید فِصَح در مصر نیز وجود دارد، هنگامی که لازم بود فرشتهٔ هلاک‌کننده نشان خون را بر آن در ببیند که فرعون و سپاهیانش را به دریا کشاند، تا آنکه بادهای شرقی رها شدند و آب‌ها در ورود به سرزمین موعود را بستند. این ساختار در تاریخ آلفای کلیسای پرغامس، از سال ۳۱۳ تا نخستین قانون یکشنبه در سال ۳۲۱، و نیز در تاریخ اُمگای پرغامس، از حکم ژوستینین در سال ۵۳۳ تا قانون یکشنبهٔ سال ۵۳۸، وجود دارد. در مورد پرغامس، نشان یا یک فرمان است یا یک حکم، اما هر دو آغازگر دوره‌ای هستند که به یک قانون یکشنبه منتهی می‌شود.

ساختار محاصره و ویرانی اورشلیم در نبوت حزقیال، از سال ۵۸۷ پیش از میلاد تا سال ۵۸۶ پیش از میلاد امتداد داشت: دو سال با محاسبهٔ شمولیِ زمان و ۱٫۵ سال با محاسبهٔ غیرشمولیِ زمان. ساختار دیگری از محاصره در نبوت نیز در قالب دو سال در لشکرکشی پانیوم بازنمایی می‌شود؛
لشکرکشی‌ای که نبرد پانیوم در سال ۲۰۰ پیش از میلاد و محاصرهٔ صیدون در سال ۱۹۸ پیش از میلاد را در بر می‌گرفت. مرگ همسر حزقیال با مرگ لَمَک، مرگ یوحنا پالایولوگوس و نبرد پانیوم مطابقت دارد.